

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر

اشرف سلطانی‌نیا\*

### چکیده

افسانه‌ها انعکاس‌دهنده مبارزه ازلی خیر و شر هستند که در ادبیات عامه با نقش‌ها و کارکردهای گوناگون و نمادین از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند. کارکرد افسانه‌ها را می‌توان در آموزش، سرگرمی، اعتبار و اقتدار بخشیدن به ثبات فرهنگ خودی خلاصه کرد. «ننه ماهی» از جمله افسانه‌های بومی منطقه بوشهر است که ارتباط جذابی با مخاطب برقرار می‌کند و به دلیل ویژگی‌هایی که بین ماهیت افسانه و جنبه‌های نمایشی وجود دارد، به آن پرداخته شده است. تحلیل ساختار دراماتیک افسانه ننه ماهی بوشهر نشان می‌دهد، این افسانه بستری مناسب برای استفاده برنامه‌سازان در رسانه‌های مختلف و قالب‌های نمایشی گوناگون است.

**کلیدواژه‌ها:** افسانه، افسانه محلی ایران، نمایشنامه، جنبه‌های نمایشی،

افسانه ننه‌ماهی

---

\* کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر و پژوهشگر فرهنگ عامه  
ashrafsoltaninia5153@gmail.com

## مقدمه

افسانه‌ها یکی از زنده‌ترین بخش‌های فرهنگ عامه به شمار می‌روند و محرک تخیل آدمی هستند؛ زیرا زمانی که عشق، امید، ترس و دل‌نگرانی به شکل افسانه بیان می‌شود، تخیل انسان جان می‌گیرد و قصه‌ای ساخته می‌شود؛ همان‌گونه که لوفلر دلاشو در «زبان رمزی قصه‌های پریوار» می‌گوید: «اشخاص قصه‌ها و افسانه‌ها، خاطره و یادگاری از برگزارکنندگان مراسم و مناسک در آیین‌های مردمی‌اند که امروزه کمابیش فراموش شده‌اند.» (دلاشو، ۱۳۶۶: ۶۳)

پس می‌توان رابطه‌ای دوسویه میان قصه‌ها و آداب و رسوم قائل بود؛ یعنی هم ما به مدد قصه‌ها و افسانه‌ها با گونه‌های مختلفی از آداب و رسوم آشنا می‌شویم و هم با بررسی آداب و رسوم و باورها می‌توان قصه‌ها و افسانه‌ها را بهتر مورد تحلیل و بررسی قرار داد و به وجود کاربردی آنها، یعنی عواملی چون سرگرمی، زیبایی‌شناسی یا جوهره ذاتی تربیتی و آموزشی آنها، پی برد. برای مثال، «از مدت‌ها پیش می‌دانستند که پریان با آیین‌های پرستش و دین رابطه دارند. به بیان دقیق‌تر، دین و آیین پرستش را نیز می‌توان در زمره نهادهای اجتماعی قرار داد و همچنان که شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی در نهادهای آن تجلی پیدا می‌کند، دین نیز در برخی از فعالیت‌های آیینی و پرستشی جلوه‌گر می‌شود.» (پراپ، ۱۳۷۱: ۱۸۸)

در قصه‌های پریان و افسانه‌ها، صورت‌هایی از ازدواج و زناشویی را نیز می‌توان ملاحظه کرد. پس افسانه‌ها بازتاب بقایای اسطوره‌ها، آداب و سنت‌های گذشتگان اما در قیاس با آنها خام‌تر و ساده‌تر هستند؛ زیرا آنها گونه‌های برجسته و مشهور ادبیات شفاهی و نمودار عمده‌ترین بخش میراث فرهنگی

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۵۹

اقوام و ملل گوناگونی هستند که سنت‌های معنوی اقوام در قالب داستان، بر پایه آنها بنا شده است.

افسانه‌ها اندیشه‌هایی هستند که در ناخودآگاه ذهن بشر جای دارند و پیوسته پذیرای تغییر و تفسیری نو هستند؛ قصه‌هایی که سینه به سینه نقل شده تا به نسل‌های بعدی رسیده است. در میان مردم، اینها معمولاً قصه‌هایی هستند که پایگاهی تاریخی و نیمه‌تاریخی دارند یا به گفته جلال ستاری در کتاب «آیین و اسطوره در تئاتر»؛ «افسانه، روایتی درباره قهرمان محبوب مردم، پهلوانان ما و قدیسان است؛ پس افسانه نه روایت، نه اسطوره، بلکه چیزی میان این دو است که همیشه به نثر نیست و گاهی به صورت ترانه‌ها یا قصاید درمی‌آید.» (ستاری، ۱۳۷۶: ۳۵)

منوچهر اکبرلو در «پرواز پروانه خیال» می‌نویسد: «فرق افسانه با داستان، تحقق داستان در عالم خارج از ذهن و عدم تحقق افسانه در عالم خارج از ذهن است، اما در این نمی‌توان شک کرد که افسانه‌ها با وجود آنکه خیالی هستند، از حقیقت زندگی منشأ گرفته‌اند.» (اکبرلو، ۱۳۸۵: ۴۰)

«بسیاری از افسانه‌ها از اسطوره کشت و برزگری الهام پذیرفته‌اند که همگی تابع منافع اقتصادی انسانی هستند. به عنوان مثال اگر در مراسمی، مردم آیین‌هایی را برگزار می‌کنند تا باران از آسمان ببارد (مراسم باران‌خواهی)، این رفتار در واقع معلول آرزوی غلبه و تأثیرگذاری آنها بر طبیعت می‌باشد.» (دلاشو: ۱۳۶۶: ۶۳)

از این رو تخمین عمر افسانه‌ها دور از دسترس تاریخ و قدمت آن به قدمت عمر بشر است، زیرا از بدو تاریخ، همگام با عمر بشر دستخوش تغییرات بوده و مطابق با ذوق و قریحه او به تکامل رسیده است. شاید به

همین دلیل نیز باشد که همواره افسانه‌ها با خود جذابیت و جاودانگی به همراه دارند و برای هر دوره‌ای سرشار از تازگی، ترس و آرزوهایی هستند که در شرایط تاریخی متفاوت، مطابق با نیازهای عاطفی و معیشتی بشر ایجاد می‌شوند. بر این اساس افسانه‌ها همیشه برای مردمان دلپذیر و دوست‌داشتنی هستند؛ زیرا همواره به شکل اعجاب‌آوری تازگی خود را حفظ می‌کنند و نیز به همین دلیل است که نمی‌توانیم آنها را به تاریخ بسپاریم، زیرا گذشت زمان آنها را کهنه نمی‌کند، بلکه در هر شرایطی به راحتی غبار زمان از روی آنها زدوده می‌شود و آنها با روزگار پیش می‌روند؛ چرا که راز جاودانگی خود را به همراه دارند. علم و هنر نیز که این راز را دریافته‌اند، با درآوردن آنها در قالب‌های دراماتیک می‌کوشند تا ارزش جادویی کهن آنها از دست نرود، بلکه جوهر اصلی‌شان در قالب‌های متفاوت و با زبان نظم یا نثر محفوظ بماند تا جایی که «برخی از افسانه‌ها به لحاظ ظرفیت‌های نمایشی تبدیل به نمایشنامه‌هایی عامه‌پسند و مردمی شده و چون با اعتقادات آن مردمان یگانه بوده، رشد کرده، باقی مانده‌اند و با تضادهای اجتماع و طبیعت روزمره پرداخت شده و به شکل تراژدی، حماسه و گاهی ملودرام یا بیان شعر و شاعری درآمده‌اند.» (ستاری، ۱۳۷۶: ۱۵۳)

گردآوری داده‌ها در این مقاله به صورت میدانی و اسنادی بوده و با روش توصیفی - تحلیلی تبیین شده است. این مقاله در صدد است تا یکی از افسانه‌های بومی بوشهر را برای بهره‌برداری در قالب‌های نمایشی ارائه نماید.

### ساختار دراماتیک در ناکجاآباد افسانه‌ها

اسطوره‌ها که بر مبنای تفکرات کهن و آیینی انسان‌های اولیه شکل گرفته‌اند، یکی از ریشه‌های اصلی نمایش به‌شمار می‌روند و افسانه‌ها به لحاظ

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۶۱

بهره‌گیری مخاطب از همذات‌پنداری و همانندسازی با شخصیت‌ها و موقعیت‌های تاریخی و نیمه‌تاریخی‌شان، در ساخت یک اثر نمایشی حضور می‌یابد و با گسترده‌تر کردن دایره وجودیشان، بر راز جاودانگی خود صحنه می‌گذارند. این فراگیری چشمگیر است؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد همه افسانه‌های جهان جوهره‌ای شبیه به هم دارند. خلق یک اثر نمایشی منطبق بر عناصر قومی - محلی با بهره‌گیری از ویژگی‌های انسانی و اجتماعی یک قوم آنها را نمایشی‌تر می‌کند. برای مثال، افسانه‌های جن و پری به عنوان ژانر ادبی می‌تواند بستر مناسبی برای تولید گونه‌ای از تئاتر باشد که از الگوهای زیر بهره گرفته است:

۱. کشمکش‌ها و اتفاقات در افسانه زنجیروار هستند.
  ۲. شخصیت‌های افسانه مطلق‌اند [همچون اسطوره‌های خیر و شر در قالب ادبیات شفاهی]. در همه افسانه‌ها حضور شخصیت‌های سیاه و سفید مبین جدال جاودانه خیر و شر در اسطوره‌های آغازین انسانی است.
  ۳. زبان در افسانه‌ها، زبان ساده و محاوره‌ای مردمان روزگار خود بوده و از زبان فاخر و فخیم به دور است.
  ۴. عوامل و عناصر پیش‌برنده افسانه از نمادهایی چون انسان‌ها، حیوانات و اشیا بهره گرفته است که در توالی حوادث افسانه‌ها، نقش قهرمان را «پروتاگونیست»<sup>۱</sup> و ضد قهرمان را «آنتاگونیست»<sup>۲</sup> بازی می‌کنند و برای رسیدن به هدف نهایی می‌کوشند.
- با این حال تفاوتی بارز میان افسانه و نمایش وجود دارد. در افسانه‌ها برای توالی حوادث علتی وجود ندارد و ماجراها تصادفی و به بیان دیگر به دست

---

1. protagonist  
2. antagonist

تقدیر است، اما در نمایش، تمام حوادث پیش‌برنده درام، روابط علی و معلولی دارند، حتی «در بعضی از افسانه‌ها اعمال غیراخلاقی‌ای وجود دارد که هنرمند پس از انتخاب آنها برای تبدیل به اثر نمایشی، ناگزیر است در اصل قصه تغییراتی ایجاد نماید که شامل شخصیت‌پردازی، تقویت یا تغییر تم اصلی افسانه، تغییر در ماجرا و همچنین گنجاندن علیت در قصه است». (جهازی، ۱۳۸۷: ۴۰)

ولی می‌توان به چند جنبه مشترک میان افسانه‌ها و یک اثر نمایشی اشاره کرد:

۱. طرح دل‌نگرانی و بن‌بست‌های شخصیت‌ها، اثر را دراماتیزه می‌کند.
۲. حوادث تخیلی افسانه‌ها همچون گونه‌هایی از نمایش، مخاطبان خود را به فضایی تخیلی و فانتزی وارد می‌کند و آنها را به دنیایی غیر واقعی می‌کشاند.
۳. شخصیت‌های افسانه نیز مانند نمایش [در همان اوایل ضمن معرفی] با بحران‌ها و مشکلات مواجه می‌شوند و یک ساختار درام را رقم می‌زنند.
۴. افسانه‌ها نیز مثل نمایش [به لحاظ دید کهن‌الگویی خود] با لذت همراه‌اند و در دایره آموزش قرار می‌گیرند و جنبه‌های سرگرمی بسیاری دارند.
۵. مخاطب در افسانه به یاریگران مثبت می‌اندیشد و از نیروی منفی هراس دارد، اما اگر مخاطب کودک باشد، خود او بنا بر درونیات و اعمالش شخصیتش را انتخاب می‌کند.
۶. همه افسانه‌ها پایان خوشی دارند و همیشه برای اقتباس و تبدیل شدن به یک اثر نمایشی مورد توجه هستند.

پس بسیاری از قصه‌های قومی، افسانه‌ها یا داستان‌هایی که برای گفتن مناسب هستند، از دیدگاه درام‌نویسان، ساختاری نمایشی دارند که نشان‌دهنده

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۶۳

ساختمان قصه و چگونگی به وجود آمدن آن است. همه قصه‌ها از زمینه‌چینی (مقدمه) آغاز می‌شوند و مطابق فرمول زیر پیش می‌روند:  
مقدمه (زمینه‌چینی) ← بحران ← کشمکش ← اوج‌گیری ← نقطه اوج که در جایی منجر به گره‌گشایی نیز می‌شود ← فرود ← نتیجه ← پایان.

### ظرفیت نمایشی افسانه‌های بوشهر

بوشهر یکی از مراکز مهم و قدیمی تمدن و فرهنگ ایران به‌شمار می‌رود که قدمت آن به پنج الی شش هزار سال می‌رسد.

سه منبع اصلی و عمده فرهنگ بومی بوشهر از این قرار است:

۱. فرهنگ آفریقایی که همراه با اعراب و برده‌های سیاه وارد بوشهر شد.
۲. اعراب مهاجر که از جزایر و سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس آمدند و با خود فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هایی را آوردند؛ از جمله، بیشتر افسانه‌های دریایی از این منبع دریافت شده‌اند.
۳. افسانه‌های ایرانی که در روستاهای اطراف بوشهر روایت می‌شوند و از آمیزش اقوام مهاجر لر، کرد و فارس پدید آمده‌اند؛ افسانه‌هایی که از تمام عناصر فرهنگی افسانه‌های ایرانی در اینجا گسترش یافته و بیشترین سهم را در این زمینه از آن خود کرده است.

بنابراین، اساس افسانه‌های بوشهر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) افسانه‌های برّی که از زندگی مردم در خشکی زاده شده است.

ب) افسانه‌های بحری که درباره دریا و پری‌های دریایی است.

افسانه مورد نظر این نوشتار، «ننه‌ماهی»، برگرفته از افسانه‌های بحری است.

افسانه‌های بوشهر همگی دارای آغاز، گذرگاه و انتها هستند و این موضوع شکل‌دهنده اصلی یک درام محسوب می‌شود؛ همچون «منظر ارسطویی در

طرح ساختمان جامع یک نمایشنامه که آغاز، میانه و پایان دارد». (قادری، ۱۳۸۶: ۲۸)

در یک درام، محل، موقعیت شخصیت و سطح واقعیت تعیین کننده است. در افسانه‌های جنوب با «یکی بود یکی نبود»، «دخترکی بود تنها»، موقعیت شخصیت‌ها هویدا می‌گردد، یا در میانه یک سلسله پیچیدگی‌ها که به تغییر جهت کمک می‌کند و گره‌ها و

اوج‌ها را رقم می‌زند، به چشم می‌خورد و در پایان به نتیجه و حل نهایی می‌رسد و بدین ترتیب قصه از اوج تا پایان بسط پیدا می‌کند. قادری در کتاب «آناتومی ساختار درام»



می‌نویسد: «درازی داستان باید به حدی باشد که طی یک سلسله مراحل احتمالی و ضروری، قهرمان داستان را از نیک‌بختی به بدبختی یا از بدبختی به نیک‌بختی برساند. این اندازه، بزرگی یک داستان است». (همان: ۳۱)

این تعریف درباره تمام افسانه‌های بوشهر صدق می‌کند و همه افسانه‌های بوشهری مطابق ساختار درام طراحی شده و بن‌مایه‌های نمایشی دارند. آنها پیرو الگوی خاصی هستند؛ از جمله آنکه شخصیت‌ها به سرعت به شنونده معرفی می‌شوند، او را با خود همراه می‌سازند و ذهنش را معطوف به قصه می‌نمایند و بلافاصله پس از معرفی، بحران آغاز و به حل آن پرداخته می‌شود.



## شخصیت‌های نمایشی در افسانه‌های بوشهر

### شخصیت‌های انسانی

\* مردان دو گروه هستند:

۱. انسان‌های معمولی و عامی با تقسیمات جغرافیایی بری و بحری: چوپانان، کشاورزان و هیزم‌شکنان که نماینده قشر تهیدست هستند. ماهیگیران که نماینده مردان زحمتکش و رنج‌دیده‌اند و با پری‌زادگان ارتباط می‌یابند.

۲. پادشاهان و شاهزادگان

- در قصه ایفاگر نقش منفی (آنتاگونیست) هستند.

- ایفاگر نقش مثبت (پرتاگونیست) هستند و بعضی از آنها در افسانه به شکل غیرانسانی درمی‌آیند.

\* زنان که حضور آنان در افسانه‌های بوشهر دو ویژگی مهم دارد:

- در نقش مثبت که اغلب افرادی قوی با ویژگی یاری‌گری هستند.

- در نقش منفی همچون خاله‌ای بدجنس یا زن‌پدري حسود

### شخصیت‌های غیرانسانی

پریان، دیوها، اجنه، اژدها، شیطان، جادوگران و گولک که همیشه آدمی را به کارهای غیرممکن و نامعقول دعوت می‌کنند. در بوشهر به اغلب این شخصیت‌ها «اهل او‌نا» می‌گویند.

برونو بتلهایم در کاربرد افسون معتقد است: «در قصه‌های پریان، اشرار که به شکل پیرزن حيله‌گر، اژدها، گرگ، دزد، نامادری حسود و ساحر... ظاهر می‌شوند، از جاذبه‌های خاصی برخوردارند و شریر برای آنکه بهانه‌ای برای از

بین بردن قهرمان داشته باشد، معمولاً او را به انجام کارهای غیرممکن وادار می‌کند.»

پریان در قصه‌های بوشهر، از دشمن فراطبیعی و یاری‌دهنده فوق‌طبیعی، شی‌جادویی، حیوانی خارق‌العاده و قدرت و دانش غیرمعمولی بهره‌برده و اجزای سازنده‌ای مثل جادو، افسون، طلسم و ورد را به کار گرفته‌اند، بی‌تاریخ و بی‌زمان‌اند و به لحاظ موقعیت‌های نمایشی، کنشگران درام محسوب می‌شوند، در افسانه‌های بوشهر دو تعریف را به خود اختصاص داده‌اند.

الف) پری‌هایی که اغلب دارای ویژگی ممتاز هستند و به سوی ماهیگیران پر تمنای روزگار که از ثروت دنیا بی‌بهره‌اند، دست یاری دراز می‌کنند و با این شرط که «اگر راز مرا با کسی نگویی همه کار برایت می‌کنم»، ماهیگیر را به آرزوهای دورش می‌رسانند. مثل یکی از افسانه‌های معروف بوشهری به نام «زارحسین و پری».

ب) دیوهایی که دارای چند جنبه‌اند. دیو اصلی که دشمن آدمیزاد است، اما با وجود قدرت و توانایی‌اش موجودی نادان است و به راحتی شکست می‌خورد. گولک نیز در افسانه‌های بوشهر حضوری فعال دارد. او که شب‌هنگام در بیابان ظاهر می‌شود، می‌تواند خود را به هر شکلی درآورد و برای مقابله با او، باید شیء آهنی یا فلزی مثل سوزن به همراه داشت.

### شخصیت‌های حیوانی

- حیوانات خطرناکی چون گرگ، شیر و شغال که جز درندگی نقشی ندارند.

- حیواناتی که جان قهرمان داستان را نجات می‌دهند و او را به آرزویش می‌رسانند. برای مثال، خروس که دلاشو درباره آن می‌گوید: مبین قوه حیاتی

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۶۷

غرایز و رموز عشقی است و در افسانه‌های جنوب نقشی رسواکننده دارد. همان‌طور که در افسانه «ننه‌ماهی» وقتی شاهزاده به خانه دختر می‌رود و نامادری، دختر را در تنور پنهان می‌کند، خروس بیرون می‌پرد و با آواز بلند باعث رسوایی نامادری و رهایی دختر می‌شود.

در افسانه‌های بوشهر با حیوان دیگری آشنا می‌شویم که شکلی کاملاً نمایشی دارد: «اسب اورباد» به معنی اسبی که سریع همچون ابر و باد حرکت می‌کند. این حیوان نماد موجودی است که سفر و مهاجرت قهرمان را ممکن می‌سازد.

### شخصیت‌های (اشیای) جادویی

این اشیا که به قهرمان برای رسیدن به هدفش کمک می‌کنند و عبارت‌اند از: قالیچه، قلیان، نی، انگشتر و کفش.

با توجه به ویژگی‌ها و عناصر وجودی این افسانه‌ها به نظر می‌رسد آنها از جنبه‌های نمایشی قوی برخوردارند که با توجه به مضمون (پیروزی بر نیروی منفی با یاری نیروهای برتر و فوق طبیعی) دارای پیام مناسب و اخلاقی نیز هستند؛ بویژه افسانه ننه‌ماهی که مطالعه موردی این مقاله است. وجود شخصیت اصلی (دختر)، طولانی نبودن افسانه، شهرت آن، طرح دل‌نگرانی‌ها و بن‌بست‌ها (در مقابل زن پدر)، رخ دادن اتفاقات و ماجراها در قصه، گفتگو و شخصیت‌پردازی‌های قوی و وجود شخصیت مثبت و منفی (پروتاگونیست و آنتاگونیست) این افسانه را برای تبدیل شدن به اثری نمایشی، واجد شرایط می‌سازد.

## طرح افسانه ننه ماهی

قهرمان قصه دختری است که به تازگی مادر خود را از دست داده و پدرش بعد از ازدواج با زنی دیگر صاحب دختر زشت‌رویی شده است. روزگار بر دختر به سختی می‌گذرد تا اینکه یک روز وقتی به کنار دریا می‌رود تا ماهی حموری را که پدرش صید کرده است، پاک کند، ماهی (ننه‌ماهی) به سخن می‌آید و دل مهربان دختر را به رحم می‌آورد تا او را رها سازد و در مقابل، هر آرزویی در دل دارد بگوید تا ماهی برآورده سازد. دختر مهربان بدون هیچ چشمداشتی خواهش ماهی را می‌پذیرد و او را رها می‌کند...

...روزی پادشاه همه مردم شهر را به جشنی که در قصر برگزار شده بود، دعوت کرد. در میان مردم خانواده دختر نیز بودند؛ البته بدون او، زیرا نامادری بدجنس درست در روز جشن او را به کارهای طاقت‌فرسای خانه واداشته بود که تا بازگشت ایشان باید انجام می‌پذیرفت، اما ننه‌ماهی درست در لحظه موعود حاضر شد و دختر را به بهترین وجه، آماده رفتن به جشن کرد...

... دختر هنگام بازگشت، از شدت عجله، لنگه کفشش را در چشمه‌ای رها کرد و شاهزاده را با تنها نشانی که از طریق اسب او هنگام آب خوردن از چشمه پیدا شده بود، رهسپار کوی و برزن ساخت...  
... زن پدر به طمع و صلت با خاندان پادشاه، دختر را در تنور خانه پنهان و دختر زشت‌روی خود را به شاهزاده معرفی کرد، اما خروس، صاحبخانه را رسوا ساخت و همه را متوجه زندانی شدن عروس آینده پادشاه کرد...

... در میان مخالفت‌های فراوان پادشاه، جشن عروسی شاهزاده و دختر برگزار شد، اما باز هم مکر نامادری می‌رفت تا باعث سرافکنندگی دختر زیبا

۱. این افسانه بوشهری نام‌های متعددی دارد: ننه ماهی، ننه ماهینک، ماه‌پیشونی، ماه و ستاره، گلابتون.

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۶۹

شود که ننه‌ماهی باز هم دختر را از شرمندگی نجات داد. این اتفاق پسر دوم پادشاه را به طمع انداخت تا دختر دوم ماهیگیر را به همسری بگیرد. اما دیگر خبری از کمک ننه‌ماهی نبود و ازدواج آن دو سر نمی‌گیرد.

### ساختار افسانه به لحاظ نمایشی

افسانه از همان ابتدا با معرفی شخصیت دختر شروع شده و از آغاز قصه به مخاطب شناسانده می‌شود:

«یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود

یه دختری بود دیش<sup>۱</sup> رحمت خدا رفته بود»

در مرحله بعد از معرفی، مخاطب متوجه مشکلات دختر (در اثر فقدان مادر) می‌شود و همین امر روند افسانه را پیش می‌برد.

### شخصیت‌های اصلی

«از منظر ارسطو، کاراکتر دارای ویژگی‌های خاصی است که به وسیله آنها کاراکتر را حین عمل می‌شناسیم. او بر عمل تکیه دارد و جدایی‌ناپذیر بودن کنش و کاراکتر را به خوبی مطرح کرده است.» (قادری، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

ابعاد سازنده یک شخصیت نمایشی عبارت است از:

۱. بعد جسمانی ۲. بعد اجتماعی

۳. بعد اعتقادی ۴. بعد روانی

در این افسانه، شخصیت‌ها از لحاظ ابعاد یاد شده، دارای ویژگی‌های خاصی هستند؛ برای مثال شخصیت نحیف، زیبا و بی‌سروزیان دختر بعد جسمانی، و دختر ماهیگیر بودن موقعیت اجتماعی او را آشکار می‌سازد؛

موقعیتی که در آخر قصه تغییر می‌کند و به یکی از بالاترین سطوح می‌رسد که تحول در این شخصیت، نوعی تحول اجتماعی است. بُعد اعتقادی، باوری است که دختر به نیروی برتر یعنی خدا دارد و از او کمک می‌گیرد.

بعد روانی، که او همه موجودات عالم را دوست دارد و در حالی که نمی‌داند ننه‌ماهی چگونه می‌تواند به او کمک کند، از سر دلسوزی با او ملاحظت می‌کند و او را از بین نمی‌برد.

تمام شخصیت‌های این افسانه، شخصیت‌های نمایی هستند که پیش‌برنده درام محسوب می‌شوند. اما نباید فراموش کنیم که همه شخصیت‌های این افسانه، با آنکه این جهانی هستند، اما دنیای عادی و امروزی ندارند و هر بار که از زمین، دخمه، چاه، صندوق، تنور، برج و جاهای بسته سخن می‌رود، قهرمان داستان در آن زندانی است.

### شخصیت‌های دیگر

زن پدر: در سیر داستان جنبه منفی و شریر خود را حفظ می‌کند و تا لحظه پایانی افسانه، ما جز بدجنسی شاهد هیچ تحولی در او نیستیم. همان‌طور که پیشتر گفتیم، یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های افسانه، مطلق بودن آنهاست که همه جنبه سیاه و سفید یا خیر و شر دارند و در پایان، همواره شریر نابود است.

پسر اول پادشاه: شخصیتی مثبت، دارای آینده‌ای روشن و شخصیتی پروتاگونیست است.

پسر دوم پادشاه و دختر دوم زن پدر: از شخصیت‌های آنتاگونیستی هستند که جز حرص، طمع و حسادت چیزی ندارند.

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۷۱

ماهی: نقش پیش‌برنده و کمک‌کننده دارد و از یاریگران اصلی دختر است. در فرهنگ بوشهر، ماهی را نشانه رزق، روزی و نماد خیر و برکت می‌دانند و چون از آب گرفته می‌شود، نماد زندگی، راز آفرینش و باروری نیز گفته شده است.

خروس: مبین قوه حیاتی غرایز است و کاملاً به رموز عشقی مربوط می‌شود؛ همان کاری که خروس در افسانه «ننه‌ماهی» با «قی قی قی...» و رسوا کردن شریر انجام می‌دهد.

اسب: آگاهی‌دهنده و یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است و از چشمه که در اسطوره نشانه عمر طولانی، جوانی جاوید، خوشبختی و سرچشمه معرفت و رمز حیات مجدد تعریف شده است، آب می‌نوشد و به خرد می‌رسد (و به راز اصلی قصه یعنی پیدا شدن کفش آگاهی پیدا می‌کند). در افسانه‌های بوشهر از این حیوان با عنوان «اور باد» یاد شده است که قهرمان قصه (پسر پادشاه) بدون کمک او نمی‌تواند به سفر خود ادامه دهد.

اشیای نمایشی تأثیرگذار در افسانه عبارت‌اند از:

- لنگه کفش، چغندر، اشرفی و رودخانه که هر کدام در جایگاه خود به پیش‌برندگی داستان کمک می‌کنند.

### جنبه‌های داستان

**مقدمه چینی:** در مقدمه چینی از همان ابتدای قصه عوامل زیر به مخاطب معرفی می‌شوند؛ دختر به عنوان شخصیت اصلی، محل وقوع افسانه و شخصیت‌های درگیر داستان. در این بخش از قصه (مقدمه چینی) آرامش حکم فرماست:

«یه دختر بود، دیش رحمت خدا رفته بود؛ به بواش [پدرش] گفت: «زن

بگیر بوا»...

که با زن گرفتن پدر، مشکلات و بحران‌های دختر بیشتر می‌شود و شخصیت آنتاگونست نمایشی وارد افسانه می‌گردد.

**گره افکنی:** این مرحله اصلی داستان است که بیشترین وقت قصه‌گویی به آن اختصاص داده می‌شود. گره در این افسانه زمانی به وجود می‌آید که پدر دختر با زنی حسود و بدجنس ازدواج می‌کند و پس از مدتی صاحب فرزند دختر می‌شود:

«مرد رفت یه زنی گرفت و زنک هم دختریش آورد. ای [این] دختر گت [بزرگ] شد. [زن] لباسای قشنگ بر [تن] دختر خودش می‌کرد و لباس خرابا [کهنه] بر فاطو [دختر]»

در این لحظه است که افسانه در موقعیتی دشوار قرار می‌گیرد و به دنبال آن، درگیری‌ها و گره‌ها یکی پس از دیگری افکنده می‌شود. شخصیت‌های مثبت و منفی در مقابل هم قرار می‌گیرند و نیروی یاری‌رسان (ننه‌ماهی) که در همان ابتدای داستان نقش آفرینی می‌کند، به کمک دختر می‌آید و در هر لحظه گره‌گشایی می‌نماید:

«یه روز مردک ماهیگیر رفت دریا و ماهی بزرگی گرفت تا دختر کم‌اش بشکافه (ماهی را پاک کند). ماهی به زبون او آمد. گفت، تو مو [من] نکش تا مو برم سیت [برایت] هر چی می‌خوای بیارم.»

همیشه مخاطب با خود می‌اندیشد که ماهی چگونه می‌تواند به دختر کمک کند، اما در لحظه‌ای حساس از داستان بحران به وجود می‌آید و یک عروسی در خانواده پادشاه برپا می‌شود.

«گذشت تا یه عروسی در گرفت و دختر و دیش رفتند عروسی. زن بابا یه مшти عدس، یه مшти چایی، یه مшти نخود (برداشت) تو اینها خاک کرد و به دختر گفت: تا ما او مدیم باید پاکش کرده باشی.»



## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۷۳

در اینجا مخاطب دچار ترس و نگرانی می‌شود که بحران چگونه می‌خواهد برطرف شود و بدین گونه تعلیق داستان صورت می‌گیرد؛ اما بحران رفع می‌شود، آن هم به دست «ننه‌ماهی».

«ننه‌ماهی یه مشت نوکر و کلفت فرستاد تا چیزا پاک کنن و برای دختر و هم یه لباس و یه کفش و یه اسب قشنگی حاضر کرد و دختر و سوار شد و رفت میون مردم. گفتند: این کیه؟ چقدر قشنگه!...»

در پایان عروسی، پسر پادشاه رد اسب دختر را گرفت، اما از شتاب زیاد، لنگه کفش دختر توی چشمه افتاد و پسر پادشاه به دنبال صاحب لنگه کفش...

**ستیزه** (کشمکش): قبل از هر چیز باید به گونه‌های اساسی کشمکش اشاره کرد. ناظرزاده کرمانی در کتاب «درآمدی بر نمایشنامه‌نویسی» می‌نویسد:

«ستیزه نمایشی یا ستیزه تماشاگانی، مفهومی دیالکتیک است و چالش‌ها و کشمکش‌های آدمیان را نمایش می‌دهد.

۱. آدم‌ها علیه آدم‌ها ۲. یک نفر علیه یک گروه ۳. آدم علیه خودش (وجدان) ۴. آدم علیه نهادها ۵. آدم علیه طبیعت ۶. آدم علیه نیروهای فراتر (تقدیر)». (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۷۱)

با این تعریف از گونه‌های کشمکش به فرمول اصلی آنها می‌رسیم:

نیروی مخالف + هدف + شخصیت محوری = وقوع کشمکش

زن پدر + از بین بردن آرزوهای دختر + دختر = کشمکش

پس در افسانه «ننه‌ماهی» کشمکش آدم علیه آدم است که داستان را به بحران می‌کشاند و بعد از گره‌افکنی به اوج خود می‌رساند.

**اوج:** به لحاظ زمانی، از نقطه شروع تا رسیدن به نقطه اوج بیشترین وقت

قصه‌گویی به نقطه اوج اختصاص دارد و در این مرحله از تمام تضادهای شخصیت‌ها رونمایی می‌شود.

پسر پادشاه به دنبال صاحب کفش با مأموران خود به تمام خانه‌ها سرک می‌کشد. در خانه پدر دختر را هم می‌زند.

«دم خونه مردک در زدند. زنک درُ باز کرد و دختر خودش جلو آورد. دیدند نه (اندازه‌اش نیست) یه خروس تو این خونه بود؛ زن بوا دخترو تو تنور کرده بود و مشتتو رشته رو تنور نهاده بود. تا مأموران می‌خواستن برن بیرون، خروس گفت: قی قی بی بی تو تنور رشته رشته روش پهنن.

خروس سه بار این را گفت. اون‌ها عجیبشون شد. اومدن در تنور رو برداشتند، تاها! دختر تو تنوره. لنگه کفش پاش کردند. تاها! لنگه کفش اندازی پاشه.»

در این افسانه، حوادث و کشمکش‌ها تا آخر همراه دختر است؛ آنجا که پدر و مادر شاهزاده به راحتی عروسشان را قبول نمی‌کنند یا زن پدر حتی هنگام عروسی دختر، مکر می‌کند. این حوادث در مرحله اوج و گره‌افکنی داستان قرار دارد که «ننه‌ماهی» هر گره را باز می‌کند و به گره بعدی می‌رسد. اما گره‌گشایی حساس زمانی است که خروس با «قی قی قی» خود رازها را برملا می‌کند و مأموران را بر سر تنور می‌فرستد و لنگه کفش، اندازه پای دختر می‌شود. در گره‌گشایی پایانی، یعنی مکر نامادری هنگام عروسی، با وجود اینکه مخاطب خیالش از کمک‌های «ننه‌ماهی» راحت است، اما باز در شک و تردید به سر می‌برد تا نتیجه نهایی را ببیند.

**نتیجه و پایان‌بندی:** در این بخش، شخصیت‌های محوری به نتیجه نهایی می‌رسند و علاوه بر آن، تمام شخصیت‌های دیگر به دنیای خود بازمی‌گردند. در واقع، داستان به گونه‌ای پایان می‌پذیرد که مخاطب احساس رضایت‌مندی کند.

## ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۷۵

«دختر به خونه بخت رفت و سال‌های سال به خیر و خوشی در کنار شاهزاده سپری کرد.»

با این جمله، افسانه‌های بوشهر به پایان می‌رسند:

«انشالله همینطور که اونا به مطلب رسیدن، شما هم به مطلب برسین.»

**زمان:** در این اثر، زمان نامشخص است و مثل تمام افسانه‌ها با یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود، یعنی در بی‌زمانی، آغاز می‌شود. در افسانه «ننه‌ماهی» نیز وقوع حوادث در «روز» را می‌توان به دانایی و روشنگری ننه‌ماهی نسبت داد که در طول قصه هر نقطه تاریکی را روشن و هر گره کوری را باز می‌کند.

**مکان:** مکان‌هایی که هر یک به نوعی در سیر داستانی افسانه مذکور تأثیر گذاشته‌اند، عبارت‌اند از:

لب دریا: «یه روز پدر دختر رفت لب دریا تا ماهی گتی بگیره.»

خانه پدر دختر: «زن پدر یه مшти چایی، یه مшти عدس و یه مستی نخود

آورد خونه و توی همه اینها خاک کرد و به دختر گفت همه را پاک کن.»

مکان عروسی: مکان آشنایی دو شخصیت محوری یعنی دختر و شاهزاده.

چشمه: مکانی که کلید سرنوشت دختر در آن پیدا شد.

**فضا و حالت:** در این افسانه، فضاها همواره با دلهره و هیجان همراه

هستند، اما با ورود ننه‌ماهی در هر بحران، فضای ترس و هیجان شکسته

می‌شود و به فضای جدیدی که مملو از آرامش است نزدیک می‌گردیم و

بالاخره این افسانه در فضایی شاد و روح‌بخش پایان می‌یابد؛ همان‌گونه که

فضای پایانی همه قصه‌های اخلاقی چنین است.

## دیالوگ‌ها

در این افسانه، دیالوگ‌های فراوانی رد و بدل می‌شود که بیشترین آنها مربوط به دختر و ننه ماهی است، اما در پاره‌ای از قسمت‌ها این گفتگو آهنگین می‌گردد:

«قی قی بی بی تو تنورن رشته رشته روش پهنن»

یا زمانی که دختر دوم ماهیگیر با سرافکنندگی از خانه شاهزاده به خانه پدر بازمی‌گردد:

«تيله تيله بارونه در باز کن منم  
بی بی تو دالونه در باز کن منم»

## امکانات تأثیرگذاری در مخاطب

همان‌طور که می‌دانید بیشترین مخاطبان افسانه را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند؛ کودکان برای آن که دنیای درونی خود را با شرایط بیرونی هماهنگ سازند، پیش از آنکه پایبند عقل خود باشند، دنباله‌رو احساس‌های خویش‌اند از این رو به دلیل هم‌سنخ بودن با دنیای خیالی و نه عقلانی افسانه‌ها، به راحتی آنها را می‌پذیرند. علت دیگری که کودکان را مجذوب افسانه می‌سازد عنصر سرگرم‌کنندگی آن است. بر این اساس، افسانه‌ها بی‌هیچ زحمتی به هدف غایی خود یعنی رشد جنبه‌های تربیتی - آموزشی و اخلاقی می‌رسند و مخاطب را زیرکانه با خود همراه می‌سازند.

افسانه «ننه‌ماهی» که در ردیف افسانه‌های اخلاقی قرار می‌گیرد، در گروه سنی نوجوان جای دارد و این امر به دلیل همذات‌پنداری ایشان با شخصیت

ویژگی‌های دراماتیک افسانه ننه‌ماهی؛ روایت بوشهر ❖ ۱۷۷

محوری و قهرمان افسانه است که مورد همدردی و دلسوزی نوجوانان قرار می‌گیرد.

### جمع‌بندی

وجود قصه‌های فراوان و روایات متعددی که از افسانه‌های کهن برداشت شده است، نشان می‌دهد، ادبیات، مادامی که کتابت عمومی نیافته بود، شفاهی بوده است و از طریق روایت سینه‌به‌سینه، طی قرون متمادی، درونمایه‌ای شد برای هنرمندانی (نمایشنامه‌نویسان، فیلمنامه‌نویسان، فولکلورشناسان، مردم‌شناسان و...) که به هویت ملی خود فکر می‌کردند؛ هویتی که در افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه و ام‌دهنده آثار فرهنگی و نمایشی بوده‌اند تا آداب و سنن و رفتارهای مثبت انسانی را بارور سازند؛ با این انگیزه که همگان به فرهنگ خود عشق بورزند و از طریق افسانه‌های خودی، نمایش‌های ملی را تولید نمایند.

## منابع

### الف) کتاب

۱. اکبرلو، منوچهر (۱۳۸۵). پرواز پروانه خیال، (مجموعه نوشتار درباره تئاتر کودک و نوجوان). تهران: نمایش.
۲. بتلهایم، برونو (۱۳۸۹). کاربردهای افسون. ترجمه دکتر کاظم شیوا رضوی. تهران: دستان.
۳. پراپ، ولادیمیر (۱۳۷۱). ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
۴. دلاشو. م. لوفلر (۱۳۶۶). زبان رمزی قصه‌های پریوار. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
۵. ستاری، جلال (۱۳۷۶). آیین و اسطوره در تئاتر. تهران: توس.
۶. قادری، نصرالله (۱۳۸۶). آناتومی ساختار درام. چ ۲، تهران: نیستان.
۷. ناظرزاده کرمانی، فرهاد (۱۳۸۳). درآمدی بر نمایشنامه‌نویسی. تهران: سمت.

### ب) مقاله

- جهازی، ناهید (۱۳۸۷). «جنبه‌های نمایشی قصه هفت دختران». فصلنامه فرهنگ مردم ایران. ش ۱۴.